



متکلمان و فلاسفه غربی به معنویت روی آورده‌اند/ «من» در اندیشه استاد دینانی

رئیس گروه حکمت علوی دانشگاه امام حسین(ع) گفت: یکی از متکلمان جوان آمریکایی کتابی با عنوان پایان عصر آمریکا نوشته و گفته است..

رئیس گروه حکمت علوی دانشگاه امام حسین(ع) گفت: یکی از متکلمان جوان آمریکایی کتابی با عنوان پایان عصر آمریکا نوشته و گفته است که غرب اگر به زودی با خدا آشتی نکند فروخواهد پاشید؛ ما باید فروپاشی آمریکا را بر این اساس تحلیل کنیم لذا متکلمین غربی به معنویت و خداگرایی روی آورده اند.

اسماعیل منصوری لاریجانی به گزارش ایگنا، اسماعیل منصوری لاریجانی؛ استاد دانشگاه و رئیس گروه حکمت علوی دانشگاه امام حسین(ع)، عصر چهارشنبه ۱۳ دی ماه در نشست علمی نقد و بررسی کتاب «عقل و اصالت آگاهی در اندیشه ابراهیمی دینانی»، نوشته معصومه قربانی آندره سی گفت: دینانی فیلسوفی مثاله، عارفی روشن ضمیر و متکلمی حاذق هستند که هر کسی به بضاعت وجودی خویش از دریای بیکرانه علم استاد بهره مند می شود. نظریه عقلی استاد نظریه ای مستقل است که با سایر اندیشمندان تفاوت خاصی دارد و وقتی بحث عقل پیش می آید هرکسی مفهوم خاصی از آن متوجه می شود.

وی با بیان اینکه ملاصدرا به ۶ تعریف از عقل اشاره می کند که هیچ قدر جامعی با یکدیگر ندارند، اضافه کرد: برای مثال یک عقل عامه، عقل غریزی، عقل متکلمان، عقل حکما، عقل اخلاق و عقل مجرد لذا می توان ادعا کرد استاد با اندکی تسامح به نظر حکما نزدیک می شود. در نظر حکما عقل به معنای قوه یا نیرویی است که بالاتر از افق حس و خیال و وهم به ادراک کلیات می پردازد.

عقل از منظر دینانی، قوه نیست

منصوری لاریجانی اظهار کرد: استاد این قسمت را قبول دارند که عقل بالاتر از افق حس و خیال و وهم به ادراک کلیات می پردازد اما تحت هیچ شرایطی عقل را قوه نمی داند چرا که اگر عقل قوه بود نیازمند محل بود و عقل اگر نیازمند محل بود محدود به محل می شد از این جهت از عقل بودن خارج می شد. اما عقل در اندیشه استاد همه حقیقت آدمی است. استاد در تعریف عقل می فرماید عقل زاید بر انسان نیست و یک امر عرضی به شمار نمی آید بلکه فصل مقوم انسان است و یک امر جوهری شناخته می شود.

وی ادامه داد: بنابراین هرگونه بررسی عقل در حقیقت بررسی انسان است و شناختن عقل یعنی شناختن خویشتن و کسی که خویشتن را می شناسد در واقع عقل را شناخته است و عقل را جز با عقل نمی توان شناخت. عقل در اندیشه استاد مرتبه ای از وجود است که شکل ندارد، قید ندارد، موجودی مخلوق است و توان شناختن حق را ندارد. این عقل نسبت به ذات حق تعالی محدود و نسبت به ماسوی الله نامحدود است. این عقل یک جوهر است که بدون عرض در انسان تحقق دارد و دست یافتن به عنوان یک موجود جوهری در جهان خارجی و بیرون از انسان امکان پذیر نیست بلکه از درون انسان به ظهور می رسد.

استاد دانشگاه امام حسین(ع) با بیان اینکه این عقل مدرک کلیات است و انسان به همین دلیل توانایی سخن گفتن و استدلال کردن را پیدا می کند و می تواند از اجمال به تفصیل برود و سبب پیدایش تمدن شود، تصریح کرد: آنچه که حکما به عنوان تقسیمات عقل(عقل نظری و عملی) مطرح می کنند دینانی تقسیمات متعلقات عقل می داند نه تقسیم عقل بلکه عقل تقسیم پذیر نیست. این عقل از طریق ویژگی خاص آن به ظهور و بروز می رسد. وقتی بحث علم و آگاهی پیش می آید ذهن معنا پیدا می کند چرا که دینانی به دو جهان قائل است، جهان ذهنی و جهان عینی.

وی افزود: حال باید سوال کرد ذهن چیست؟ آیا ذهن ظرف آگاهی انسان است؟ یا اینکه آگاهی مطروف ذهن است؟ در پاسخ باید گفت ذهن ظرف آگاهی نیست و آگاهی هم مطروف ذهن انسان نیست بلکه آگاهی همان چیزی است که ذهن خوانده می شود و ذهن جز آگاهی نیست. با وحدت ذهن و آگاهی مشکل دور از میان می رود. اصالت آگاهی در اندیشه استاد به عبارتی یعنی آگاهی مثل هستی امری ذومراتب است و صاحب هر مرتبه خاص آن غیر از مرحله دیگر است اما در عین حال با توجه به دارا بودن مراحل مختلف آگاهی در عین کثرت تعدد به وحدت آگاهی لطمه وارد نمی سازد. تمایز انسان ها به میزان اندیشه آنان است

منصوری لاریجانی با بیان اینکه این آگاهی امری مشکک است و هر اندازه آگاهی قوی تر، انسان کامل تر می شود، اضافه کرد: آگاهی صیورت است و از درون خود به غیر خود تبدیل نمی شود بلکه آگاهی تحول می پذیرد؛ تمایز انسان ها به میزان آگاهی و

قدرت اندیشه آن هاست. وقتی صحبت از آگاهی می شود مفهوم علم معنا می گیرد، علم به حضوری و حصولی تقسیم می گردد اما خود علم قابل تعریف نیست و امری وجدانی است.

وی با بیان اینکه علم حصولی که شامل تصور و تصدیق است که صورت های آگاهی هستند، اظهار کرد: استاد دینانی، اوج اندیشه شان را در تصورات و تصدیقات نمایان می سازند چرا که اگر تصور نادرستی داشته باشیم، این تصور نادرست مانع رسیدن به حقیقت می شود و تصدیق که در واقع حکم و انفعال نفس است و احتمال کذب در آن فراوان است و سبب سقوط ما به چاه گمراهی می شود. در اندیشه استاد جنگ واقعی در فهم تصدیقات و مراقبت از تصورات است.

«من» در اندیشه دینانی

وی ادامه داد: برای جلوگیری از خطای اندیشه و افتادن در ورطه هلاکت ابدی، تنها می توان به استدلال و برهان استناد کرد تا از خطای در فکر در امان بماند اما مسلم است این آگاهی توسط من ادراک می شود و این من وقتی لباس تعیین می پوشد در واقع انسان شکل می گیرد و من در اندیشه دینانی همان علم و نور است. به عبارتی اندیشیدن، فعل انسان است و این فعل سبب هویت انسان می شود و آنچه می اندیشد و اندیشنده است من است و سلوک انسان با گسترش من یا همان اندیشه است.

منصوری لاریجانی همچنین با تاکید بر اینکه بهترین راه نجات جامعه، مبارزه با دین ستیزی و خداگریزی این است که همه با فلسفه آشتی کنند، اظهار کرد: اگر احزاب ما با فلسفه آشتی کنند و کتب ملاصدرا را بخوانند همه با هم آشتی خواهند کرد زیرا همه از منیت خود بیرون آمده و به وحدت وجود و توحید عملی خواهند رسید؛ ما خدا را وارد زندگی مردم نکرده ایم و فقط خدا را در لفظ و زبان جاری کرده ایم لذا از اذهان پریده است و هر چیزی که مفهوم باشد هیچ وقت برای ما نیست؛ بنده معتقدم که ذهن ما درگیر و اسیر مفاهیم است لذا خدا را نباید در اسارت مفاهیم قرار داد زیرا خیانت به خداست.

غلامحسین ابراهیمی دینانی

وی با قدردانی از معصومه قربانی آندره سی، نویسنده این کتاب، گفت: به ایشان دست مریزاد می گویم به خصوص اینکه به عنوان یک خانم وارد این مقوله یعنی فلسفه شده اند و این نشان می دهد که فلسفه در بین بانوان هم پررنگ است. خانم قربانی وارد اقیانوسی شده اند و به اندازه ظرفیت خودشان، بهره برداری خوبی هم کرده اند. رفرنس های ارائه شده دقیق است و سعی کرده اند نهایت امانتداری رعایت شود؛ تطبیق مطالبی که از منابع گرفته شده است در راستای اهداف کتاب به صورت هنرمندانه انجام شده است و بنده توصیه می کنم جوانان معرفت جو و فلسفه پژوه این آثار را بیشتر تعقیب کنند زیرا گنجینه های معرفت عمیقی داریم.

فروپاشی آمریکا با نگاهی به فلسفه

منصوری لاریجانی تاکید کرد: دنیای غرب هرچه دارد در برابر اندیشه ملاصدرا چیزی نیست؛ یکی از متکلمان جوان آمریکایی کتابی با عنوان پایان عصر آمریکا نوشته و گفته است که غرب اگر به زودی با خدا آشتی نکند فروخواهد پاشید؛ ما باید فروپاشی آمریکا را بر این اساس تحلیل کنیم، لذا متکلمین غربی به معنویت و خداگرایی روآورده اند. کتاب سرگذشت دموکراسی در آمریکا در انتهای جلد دوم آورده است که سکولاریسم ۲۰۰ سال تلاش کرد که خدا را از بشریت بگیرد و من اعتراف می کنم تنها چیزی که نمی توان از بشر گرفت، خداست و جالب اینکه از دو بیتی مولوی استفاده کرده است: بی همگان به سر شود بی تو به سر نمی شود/ داغ تو دارد این دلم جای دگر نمی شود.

فلسفه را از مظلومیت بیرون بیاوریم

وی افزود: کسانی مدعی حکومت اسلامی هستند و مگر اسلام غیر از ترویج این اندیشه است؛ اسلام با احیای گفتمان تمدن اسلامی، تمدن ساز می شود؛ هیچ گفتمانی بدون اندیشه و پایه فلسفی و عرفانی محکم امکان پذیر نیست. بروید سراغ فلاسفه و نگذارید اندیشه چنین افرادی مانند استاد دینانی و اعوانی که افرادی متدین و مؤمن و فیلسوف بزرگی هستند در انزوا بمانند. امیدواریم این مظلومیت کنار برود و مردم خودشان دنبال احیای این گفتمان فلسفه باشند.

استاد دانشگاه امام حسین(ع) با بیان اینکه استاد دینانی استاد فلسفه است ولی عقل گرا به معنای غربی نیست، گفت: عقل در فلسفه یعنی آنچه را که مصالح جمع اقتضاء می کند یک فیلسوف بتواند آن را به اجتماع منطقی تبدیل کند مانند نظریه جان لاک؛ ما باید پای منبر عقل بنشینیم و از خودمان شروع کنیم و حتی عقل جزئی را هم کوچک ندانیم زیرا تا آن را نداشته باشیم به عقل کلی هم متصل نخواهیم شد؛ عقل باید با وحی متصل شود؛ عقل، پیامبر باطن است و وحی، پیامبر بیرون؛ در غرب همان جفایی را که به عقل کردند به معنویت هم کرده اند منتها معنویت منهای دین است و آیا اساسا می توان معنویت بدون دین داشت؛ این کار مانند استحمام بدون ابزار شست و شو است.

وی تاکید کرد: بسیاری از فلاسفه و متکلمان غربی متوجه این خطا شده اند و رویکرد به فلسفه و معنویت در آنجا ایجاد شده است و گاهی از ما جلوتر هستند. ما بعد از ۴۰ سال می گوئیم دین چیست و دین ما زرتشت بوده است. این ظلم را چه کسی کرده است؟ باید آسیب شناسی جدی داشته باشیم و فلسفه سیاسی این وظیفه را دارد؛ عقل گرایی جزئی از عقلانیت است و ما عقل گرا هستیم. پنتاگون به اندازه همه کشورهای اروپایی و آسیایی، بودجه نظامی و تسلیحات شیمیایی و فسفوری دارد تا مردم را بکشند؛ یکی از عللی که جنگ غزه طولانی شده است این است که سلاح می فروشند و این دنیایی است که می گوئیم از عقلانیت تهی و یوچ شده است و عقلانیت در غرب حضور ندارد زیرا اگر وجود داشت تماشاچی این همه صحنه های خفت بار نبود.

منصوری لاریجانی اظهار کرد: صد رحمت به مغول! اسرائیل چقدر بچه کشته و می کشد و جهان اسلام چه می کند؟ انسان باید شب و روز به حال بشریت گریه کند؛ فیلسوف کسی است که درد و دغدغه دارد و فریاد می کشد و برای بشر گریه می کند. فیلسوف آزاداندیش است

وی در پاسخ به این پرسش که برخی معتقدند که آقای دینانی فیلسوف اسلامی است و دغدغه دین دارد و نه فلسفه، گفت: فیلسوف کسی است که آزاداندیش است؛ فیلسوف باید از هر قید و بندی آزاد باشد ولی وقتی متدین شد و قید دینی دارد دیگر فیلسوف صرف نیست؛ البته ما فلسفه اسلامی نداریم بلکه فلاسفه اسلامی داریم یعنی مثلا فارابی و ابن سینا مسلمان و شیعه بودند و سراغ آثار ارسطو و ... رفتند ولی در قید آن نماندند. البته باز تاکید دارم که فلاسفه اسلامی درست است. عقل فراتر از فلسفه است و کسانی که عقل دارند می توانند قواعد فلسفی را فهم کنند و آن را بشناسند بنابراین عقل، مظهر خدا و متشکل از عرفان و فلسفه است.

وی در پایان افزود: متأسفانه در دهه ۶۰ تعارض بین فلسفه و عقل و دین مد شده بود ولی این درست نیست زیرا اگر عقل باطنی نباشد پیامبر ظاهری هم نمی تواند رسالت خود را به درستی انجام دهد.